

دستور جلسه: عشایر و کوچ، چاره‌اندیشی سه ماه زمان کوچ.

حاضرین: آقایان: دکتر ارزانی، مهندس مقیمی، مهندس خادم، مهندس نعمت‌اللهی، دکتر صادقی پناه، مهندس والی، مهندس سلحشور، مهندس بهزاد و مهندس فیاض.

غائبین: آقایان: دکتر باغستانی- مهندس اسکندری- دکتر رزاقی- مهندس یوسفی- مهندس صفرزاده- مهندس یآوری

اعضای حاضر از گروه راهبردی: خانم مهندس رضایی.

مباحثی که کلیه اعضا در مورد آنها اتفاق نظر داشتند:

۱- باید در مورد مشکل ساماندهی کوچ عشایر و بحث احیای ایل راه آنان به یک جمع بندی و توافق رسید و آنرا به نحوی در برنامه ششم گنجانند.

۲- مشکل کوچ عمیق تر از آنچه به نظر می‌رسد؛ می‌باشد و کمبود و پراکنده بودن اطلاعات از نیازهای دستیابی به تحلیل صحیح و جهت‌ارائه طریق است. بهتر است جهت شناخت مسائل کوچ در مناطق مختلف کشور پروژه‌های پژوهشی و رساله‌های دانشجویی انجام تا مسایل موجود بهتر شناسایی تا بتوان برای رفع مشکلات راهکار مناسبی ارائه نمود. در مناطقی که کوچ به شکل مناسب و پایدار استمرار دارد نیز به عنوان الگوهای مناسب بررسی لازم صورت گیرد.

۳- باید هزینه‌های تولید را پایین آورده و درآمد دامداری را افزایش داد (دامداری اقتصادی) تا عشایر خود توان پرداخت هزینه‌های کوچ و تعریف دستی را در آینده داشته باشند، از جمله اجرای مدیریت اقتصادی گله. خروج دامهای غیر مولد (به ویژه بره‌ها) از مرتع و کاهش فشار بر مراتع می‌تواند ضمن کمک به اقتصاد بهره‌بردار فشار بر مراتع را نیز کاهش دهد.

۴- مشکلات و مسایل کوچ در هر منطقه متفاوت از منطقه دیگر بوده و نمی‌توان نسخه واحدی برای رفع مشکلات کوچ عشایر در مناطق مختلف کشور ارائه کرد.

مشکلات جلسه:

- طرح مطالب تکراری در جلسه زمان مفید جلسه را کاهش داد. از جمله بحث تکراری در خصوص ممیزی مجدد مراتع، در جلسه قبل نقایص ممیزی‌های مورد بحث و ضرورت بازنگری آن مورد توافق قرار گرفت.

نظرات ارائه شده در جلسه:

- اندازه اقتصادی مطلوب باید در نقاط مختلف کشور تعیین و راهکار کوتاه و بلند مدت برای آن تعریف شود. یعنی دستیابی به واحدهای اقتصادی به صورت مرحله‌ای عملیاتی شود.

- در زمینه شناخت مشکلات کوچ عشایر از طرح پژوهشی در دست اجرای مؤسسه که با همکاری سازمان امور عشایر کشور اجرا می‌گردد، استفاده شود.

- برای رفع مشکلات کوچ بهتر است روی کوچ از بیلاق به قشلاق تمرکز بیشتری صورت گیرد، به دلیل اینکه اغلب مزارع در مسیر کوچ سبز هستند، و در بخشی از مسیر کوچ ایل‌ها مسدود است و ناگزیر عشایر باید از جاده ماشین‌رو برای کوچ استفاده کنند این امر ضمن خطرات آن، زمان کوچ را نیز کوتاه می‌کند از این رو به ناچار با خودرو کوچ می‌کنند.

- ۵۰۰ راس دام (نظر بهره برداران) و یا ۲۵۰ راس دام (مطالعات دانشکده) اقتصادی است. تعداد دام خانوارهای عشایر چهارمحال و بختیاری در منطقه ای که مؤسسه طرح پژوهشی در دست اجر دارد تعداد دام در ۲۵ درصد خانوارها کمتر از ۵۰ راس، ۵۰ درصد بین ۵۰ تا ۱۰۰ راس و مابقی بین ۱۰۰ تا کمتر از ۲۰۰ راس دام دارند. در این منطقه تعداد دام موجود ۳/۵ برابر ظرفیت مرتع دام است. طول مسیر کوچ ۴۰۰ تا ۵۰۰ کیلومتر است. میان بند هم دارند. ۱۴۰ خانوار با ماشین و ۹۲ خانوار سنتی کوچ می کنند.

- یکی از مشکلات عشایر خوزستان (قشلاق) که از مشکلات نوظهور می باشد کمبود آب است. آب را باید خریداری و با تانکر حمل کنند. این هزینه قبلا کمتر در هزینه های تولید مطرح بود.

- نتیجه پژوهش یاد شده تا کنون نشان داد، در مناطق مورد بررسی در استان تهران دامداران عشایری به لحاظ فرهنگی، اقتصادی و ... شرایط بهتری دارند. تعداد دام ۱/۵ برابر ظرفیت مرتع است. به عبارتی می توان گفت که در مراتع لار ظرفیت چرا به طور نسبی رعایت می شود. خودشان حد و مرز را رعایت می کنند. قرق بان هم ندارند. بخش مازاد پروانه چرای خود را اجاره می دهند.

- در استان مرکزی ۲۰۰ دامدار هستند که ۸۰ درصد آنها دارای پروانه هستند و خود از مرتع استفاده می کنند. ۱۱ درصد مراتع خود را اجاره می دهند. و ۵ درصد هم پروانه ندارند اما از مرتع به شکل غیر قانونی استفاده می کنند. ۴۳ درصد از کل دامداران نیز دارای مشاغل دیگر می باشند.

- تعداد از دامداران به دلیل اقتصادی نبودن دامداری گرایش به ترک دامداری دارند.

- تفاوت آمار بین دستگاههای مختلف از مشکلات مهم در مدیریت مراتع کشور است.

- عشایر مایل هستند سهم هر کدامشان از مرتع تفکیک و هر کدام پروانه چرای جداگانه با مرز مشخص داشته باشند.

- طرح مدیریت چرا در استانهایی که به خوبی اجرا شده از جمله استان اصفهان از طرحهای نسبتا موفق دستگاه اجرایی بوده است.

- یکی از پروژه های موفق تعادل دام و مرتع کنترل تقویم چرای دام در مرتع بود و توانست فصل چرا را به ویژه در مراتع ییلاقی تقریبا در خیلی از نقاط منظم و قانونمند و از چرای پیش رس جلوگیری کرد.

- برای تحلیل مسائل مرتبط به جمعیت دام بهتر است مد تعداد دام به جای میانگین تعداد دام مورد توجه قرار گیرد.

- ممیزی های صورت گرفته متأسفانه مربوط به سالهای بسیار گذشته می باشد که همین ممیزی نیز بیشتر برآوری بوده است و غم انگیزتر اینکه همین ممیزی برآوردی قدیمی نیز نه تنها رعایت نمی شود بلکه در برخی مناطق ۳ تا ۵ برابر ظرفیت دام در مراتع موجود است در بخشی از مراتع روستائیان با کاهش تعداد دام، رعایت زمان ورود و خروج و حتی قرق در سطوح کوچک (۲۰۰ هکتاری) برای بهبود مراتع خود اقدام می کنند.

- عرض ایل راه باید ۵۰۰ متر تا یک کیلومتر باشد. حداکثر مسافتی که دام می تواند در طی یک روز طی نمایی ۱۰ تا ۱۵ کیلومتر می باشد.

- ابعاد مساله کوچ و راهکارهای آن باید بهتر شناخته شود زیرا شاید به دلایل مختلف (اقتصادی، اجتماعی و ...) باز پس گیری زمینها و احیا کردن ایل راهها کاری غیر ممکن باشد و در نهایت مجبور شویم واقعیت موجود را پذیرفته و بدون ایل راه کوچ را مدیریت کنیم.

- باید بپذیریم که در گذشته راه را اشتباه رفته ایم و الان نیز به دلایل اشتباهات گذشته عاجز از حل مشکلات مراتع کشور هستیم. باید از امروز مسائل مراتع کشور را به خوبی شناخته، تجزیه و تحلیل کرده سپس به فکر راهکارهای درست و کاربردی باشیم.

- باید بره ها با علوفه دستی تغذیه شوند و وارد مرتع نشوند زیرا چند برابر ظرفیت چرای مراتع دام در آنها موجود است. از طرف دیگر بره ها در اوایل رشد ضریب تبدیل بالایی (حدود ۲) داشته و باید از این ضریب تبدیل حداکثر استفاده به عمل آید. اگر زمان مناسب بره ها برای فروش در ۴ ماهگی باشد در مجموع می توان با کنسانتره، جو، کاه و ... آنها را با ضریب تبدیل زیر ۴ پروار نمود (به مرور زمان ضریب تبدیل به ۳ و ۴ تبدیل می شود). اگر این کار عملی شود حدود ۱۳ میلیون واحد دامی را به راحتی از مراتع خارج کرده ایم (یا به نوعی در واقع اصلا وارد نکرده ایم).

- باید دامداران تشکل یابند و تمامی امور مربوط به دامداری و حتی کوچ را با همکاری دولت ساماندهی و مدیریت کنند.

- کنسانتره عملکرد بهتری در رشد دام نسبت به جو دارد (جو خیس شده نیز از جو خشک بهتر است). ۳۷ کارخانه و کارگاه تولید کنسانتره داریم.

- از لحاظ اپراتوری تعداد ۵۰۰ راس دام مناسب ترین حالت برای یک خانوار می باشد. زیرا تعداد کمتر از آن اقتصادی نمی باشد و تعداد بیشتر از آن باعث تخریب مرتع شده و دارای تلفات بالا، زایش پایین، مشکلات نگهداری و تامین آب و ... خواهد شد.

- در ارتباط با گله دو بحث مهم مطرح است. اول سایز مطلوب گله (اندازه اقتصادی جمعیت دام در گله) که در صورت اجرای آن سرانه هزینه های دام در گله کاهش می یابد و دوم مالکیت گله است که در صورت تحقق، به سمت دامداری اقتصادی و اندازه اقتصادی گله خواهیم رفت.

- قبلا ۴۰ گوسفند (یک خرج) مایحتاج یک خانواده را در طول سال تامین می کرده است. اما الان به دلایل مختلف یک لته (۴۰۰) میش به همراه ۱۰۰ دام پشتیبان شامل قوچ و بره) برای مخارج سالانه یک خانوار لازم است.

- اگر دامدار اقدامی برایش توجیه اقتصادی داشته باشد، آنرا با میل می پذیرد و انجام می دهد.

- برخی از عشایر مثل سنگسرها اصلا مایل به کوچ و رفتن به قشلاق نمی باشند. زیرا آب و علوفه به دلیل چندین سال خشکسالی کم شده و هزینه حمل و نقل و هزینه تعلیف دستی و کرایه پس چر بالا بوده و بیماری و تلفات دام نیز در مناطق گرم افزایش می یابد. لذا در چنین شرایطی استفاده نکردن از مراتع قشلاقی (با وجود رایگان بودن مرتع) صرفه اقتصادی بیشتری دارد. یعنی اگر در بیلاق بمانند و خرج بدهند صرفه اقتصادی بالاتر است.

راهکارهای پیشنهادی ارائه شده برای حل مشکل سه ماهه زمان کوچ جایگزین مراتع میان بند:

۱- راهکار فعلی مردم بومی هر منطقه را شناسایی کنیم (شناخت واقعیت موجود) و پس از شناخت کامل همه جنبه های آن به بررسی این بپردازیم که ما باید کجای مسئله ورود پیدا کنیم تا مشکلات موجود را حل و کوچ را مدیریت کنیم. در واقع برای هر منطقه بهترین راهکار را عشایر بومی آن منطقه می دانند.

۲- اجرای پیشنهاد سازمان امور عشایر مبنی بر احداث محلهای استراحت دام که حتی مناطق آنرا نیز تعیین کرده اند. خود عشایر این شیوه را نمی پسندند. افزایش هزینه ها به دلیل دو برابر شدن هزینه حمل و نقل، درگیری و اختلاف بین عشایر و ... از جمله دلایل می باشد. دولت برای چند سال آب و علوفه را در ایستگاه انتظار دام فراهم کند تا کم کم وضعیت مراتع بهتر شود. البته اینکار نبایستی به شکل کاملاً رایگان باشد. زیرا در این صورت عده زیادی برای برخورداری از این یارانه مبادرت به دامداری خواهند کرد (بازگشت افرادی که دامداری را ترک گفته اند و احتمال افزایش دامداران بدون پروانه). از اینرو می بایست دولت بخشی از هزینه های علوفه را تامین نماید (کمتر از نصف هزینه یا یک سوم). برای خوراکدهی هر دام به مدت ۲ ماه سی هزار تومان به ازای هر راس نیاز است. اگر دولت یک سوم این مقدار را تقبل کرده و بپردازد با توجه به وجود یک میلیون راس دام عشایر سالانه ۱۰ میلیارد تومان هزینه دارد که خیلی زیاد به نظر نمی رسد. عقیده بر این است که این ایستگاه باید نزدیک بیلاق باشد. از پس چر، ضایعات کشاورزی (ضایعات نیشکر) و انواع کنسانتره می توان برای تعلیف دام در این ایستگاه ها استفاده کرد.

۳- حذف دامداران مازاد و تبدیل واحدهای غیر اقتصادی به واحدهای اقتصادی برای تامین هزینه های کوچ و تعلیف دستی توسط خود دامدار.

۴- در تمام کشور باید ایل راه ها احیا شوند. برای این منظور باید ابتدا ایل راه ها شناسایی و مناطقی که ایل راه مسدود شده، عامل مربوطه را حذف گردد. سه حالت وجود دارد: الف- اراضی ایل راه زیر کشت محصولات کشاورزی است و افراد اسناد قانونی مالکیت از مراجع ذیصلاح دریافت کرده اند ب- اراضی ایل راه زیر کشت محصولات کشاورزی است و افراد از طریق تخلف به صورت غیر قانونی متصرف اراضی شده اند ج- اراضی ایل راه را تبدیل به تاسیسات و مناطق مسکونی و صنعتی شده است.

برای هریک از وضعیت های یاد شده باید راه حل متناسب با آن پیش بینی و امکان سنجی آن مورد بررسی قرار گیرد. به نظر می رسد در موارد تخلف بتوان خلع ید نمود ، در مواردی که افراد به صورت قانونی تصرف کرده اند با مذاکره و پیشنهاد راه حلهای جایگزین را حل مناسب را مورد توجه قرار داد. سازمان امور عشایر در این ارتباط نقشه ایل راه ها را تهیه کرده و باید آنرا روی نقشه کاربری اراضی انداخت تا انجام امور بر طبق مراحل یاد شده انجام شود. عکسهای هوایی سال ۱۳۳۴ در این زمینه می تواند به عنوان مبنای قضاوت استفاده شود.

والسلام.